

آینه

کیم

باپوزش از حضرات آیات!

● اختلاف‌نظر و یا اشتباه در کسب خبر پدیده‌ای است که احتمال بروز آن در میان تمامی افراد جامعه وجود دارد و عالمان دینی و روحانیان برجسته نیز از این قاعده مستثنا نیستند. چاره کار نیز – چنانچه خبر از اهمیت تعیین‌کننده و موثری برخوردار باشد- بررسی و کشف واقعیت ماجراست تا در صورتی که خبر منتشرشده زمینه‌ای از آسیب در پی داشته باشد از بروز آن پیشگیری شود. این فرمول اما، درباره شخصیت‌های اثرگذار و مخصوصا وقتی پای عالمان برجسته دینی در میان است، با موارد عادی تفاوت‌های درخور توجهی دارد که رعایت آن از سوی آنان ضرورتی حیاتی و اجتناب‌ناپذیر است. چراکه آنان از یکسو، معلمان جامعه هستند و رفتار و گفتارشان می‌تواند پیامدهای نامطلوبی به دنبال داشته باشد و از سوی دیگر شخصیت و جایگاه برجسته آنان «امانت الهی» است و تنها متعلق به خودشان نیست که در حفاظت و پاسداری از آن بی‌نیاز از مراقبت باشند! انتشار اینگونه اخبار و سخنان و نامه‌ها حتی در صورت صحت نیز نتیجه‌ای جز دلگیری عموم مردم و شادی دشمنان به دنبال ندارد.

تجربه

پیام‌های کودتای ۲۸ مرداد

● **محمد توسلی:** تجربه کودتای ۲۸ مرداد و رخدادهای مشابه تاریخی دوست‌ساله ایران همواره نشان داده است که سلطه و استیلای بیگانگان عمدتا از طریق پایگاه‌های استبداد داخلی عمل کرده است. به عبارت دیگر همواره «دست بیگانگان از آستین استبداد بیرون آمده است». لذا تا موقعی که فرهنگ استبدادی و پایگاه‌های آن در جامعه وجود داشته باشد و آزادی و حاکمیت ملت تحقق پیدا نکرده باشد همواره استقلال و تمامیت ارضی کشور در معرض مخاطره قرار دارد و این امکان وجود دارد که بیگانگان با نفوذ در پایگاه‌های استبداد، سلطه و استیلای خود را برقرار کنند. اصل نهم قانون اساسی نیز بر این امر مهم تاکید دارد که: «در جمهوری اسلامی ایران آزادی و استقلال و وحدت ملی و تمامیت ارضی کشور از یکدیگر تفکیک‌ناپذیرند... و هیچ مقامی حق ندارد به نام حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور آزادی‌های مشروع را، هرچند با وضع قوانین و مقررات، سلب کند.

جمهوری اسلامی

مرتبه‌ای برای عدالت

● **مسبح مهاجر:** سبب فرهنگ هر روز کوچک‌تر می‌شود و فرهنگ بی‌مالاتی در حال تنگ‌کردن عرصه بر اعتقادات و سنت‌ها و آداب و رسوم اصیل بومی و دینی است. در تمام صحنه‌ها بر سر پوسته فاعوهای بی‌انتهای در جریان است ولی همه از عمق فاجعه‌ای که فرهنگ ما را تهدید می‌کند غافلند. حیا و اخلاق و حرمت‌ها به اقلام کهنه و رنگ‌ورورفت‌های تبدیل شده‌اند که دیگر مشتری ندارند و هتک حرمت و کوییدن رقبا با توسل به تهمت و دروغ و انگ‌های رنگارنگ کاملا مباح شده‌اند. عده‌ای تصور می‌کنند در حال جنگیدن با اباحیگری هستند ولی خودشان با غرق‌شدن در چاه ویل اباحیگری توسل به کثیف‌ترین ابزارها برای کوییدن و بی‌حیثیت‌ن کردن همدیگر را مباح و حتی از شیر‌مادر نیز حلال‌تر می‌دانند و عجا که اینهمه را به نام دین و با قصد قربت الی‌الله مرتکب می‌شوند. تکلیف عدالت اجتماعی را با سرنوشتی که برای عدالت اقتصادی و قضائی و جزائی و اخلاقی رقم زده‌ایم می‌توان فهمید. متأسفانه ما از عدالت اجتماعی محروم هستیم. تاسف بالاتر اینکه محرومیت‌ها هر روز بیش از روز گذشته بر محروم‌ترین قشر جامعه تحمیل می‌شود و به موازات تکیه‌ترشدن تکیدها، فربه‌ها فربه‌تر می‌شوند.

آرمان

پرسشگری با ابزار فشار بر دولت؟

● **سعید شریعتی، فعال سیاسی اصلاح‌طلب:** جناب آقای لاریجانی که بیش از ۸ سال رئیس مجلس بوده و از این نظر طولانی‌ترین عمر ریاست مجلس در تاریخ جمهوری اسلامی رقم زده‌اند، بعید است -آن‌گونه که شائبه‌اش وجود دارد- بخواهند پرسشگری از دولت را ابزار کسب یک موقعیت سیاسی در انتخابات آینده کنند. هر کس دیگری هم که دنبال چنین استفاده‌ای از ابزار پرسشگری باشد، باید در نظر بگیرد که چنین کاری برایش پرهزینه خواهد بود و به‌هیچ‌رو معلوم نیست که نتیجه مطلوبی را به دنبال داشته باشد. به‌هرحال آقای لاریجانی شخصیتی شناخته‌شده سیاسی و باسابقه‌ای هستند و حتماً ارزیابی می‌کنند و می‌دانند که در چنین موقعیتی، استفاده از ابزار پرسشگری در جهت اهداف سیاسی، دقیقاً نتیجه معکوس خواهد داد. چون بلافاصله این سوال را مطرح خواهد کرد که طرح موضوع ارائه گزارش دولت بر اساس آیین‌نامه مجلس در شرایط کنونی آیا ارتباطی به انتخابات پیش‌روی مجلس ندارد؟ بنابراین عواقب سیاسی آن برای فرد مطرح‌کننده سنگین و جدی خواهد بود. من فکر می‌کنم ثبت آقای لاریجانی خیر است اما به‌هرحال برای رسیدن به خیر هم فقط نیت کافی نیست و باید روش‌های معطوف به خیر را هم با تفاهم، همدلی و همراهی فراهم کرد.

سیاست

گفت‌وگوی «خبرنگاران بی‌سی نیوز» با ظریف، شمخانی و علی لاریجانی

شمخانی: ایران «تمایلی نظامی» برای نابودی اسرائیل ندارد



اینکه آیا خود او نیز یکی از این افراد بود، گفت: «بله... من فقط از دیدگاه‌های ملت‌م یعنی مردم ایران تبعیت می‌کنم». برخی از رسانه‌های داخلی

این پاسخ شمخانی را مخالفت با امضای توافق هسته‌ای تلقی کرده‌اند.

به گزارش «ایسنا» شمخانی در بخش دیگری از این مصاحبه با تاکید بر اینکه ایران ضامن ثبات منطقه است، گفت ایران به‌دنبال سلاح هسته‌ای نیست زیرا این سلاح‌ها در اسلام حرام است و برای کسانی مانند اسرائیل که آن را در اختیار دارند، امنیت ایجاد نکرده است. او همچنین گفت «تمایلی نظامی» برای نابودی اسرائیل ندارد و مردم فلسطین درباره سرنوشت اسرائیل تصمیم‌گیری خواهند کرد. شمخانی با انتقاد از

سیاست‌های دولت ترامپ در قبال اسرائیل گفت: «ایران به‌دنبال نابودی اسرائیل من معتقدم کسی که به دنبال نابودی اسرائیل است، همان کشوری است که واقعیت‌های میدانی را نمی‌بیند. آنها قدس را به‌عنوان پایتخت اسرائیل به رسمیت می‌شناسند. آنها به‌دنبال پروژه «معامله قرن» هستند.

او افزود: از نظر ایرانی‌ها، ترامپ همان چیزی را می‌خواهد که همه رؤسای جمهوری پیشین آمریکا می‌خواستند؛ یعنی کاهش نفوذ ایران. ایران تصمیم‌های خود را بر اساس سیاست آمریکا و اینکه چه کسی رئیس‌جمهوری آن کشور است یا اینکه ترامپ برای دور دوم رئیس‌جمهوری نخواهد بود، اتخاذ نمی‌کند. او گفت فکر می‌کند که کارزار «فشار حداکثری» ترامپ شکست خورده است؛ زیرا مردم آمریکا و متحدان غربی آن رهبری او را «زیر سؤال برده‌اند». به گفته شمخانی، تصمیم اخیر ترامپ برای حمله‌نکردن به ایران ناشی از «ارزیابی هزینه و فایده» بوده است.

شمخانی در بخش دیگر مصاحبه با «ان‌بی‌سی نیوز» درباره احتمال درگیری نظامی ایران و آمریکا گفت اگر آمریکا و ایران وارد درگیری نظامی شوند، ایران «ابزارهای متعددی در اختیار دارد، از جمله جنگ نیابتی». او تاکید کرد: «در صورت وقوع جنگ، آمریکا و متحدان منطقه‌ای آن در «وضعیت بدی» قرار خواهند گرفت». شمخانی گفت: «ترددیدی نیست که وجهه مخدوش آمریکا بیش‌ازپیش در منطقه و دنیا از بین خواهد رفت. اساسا چرا آنها تهدید به آغاز جنگ علیه ما

می‌کنند؟».
لاریجانی: ترامپ صحنه سیاسی را با صحنه نمایش اشتباه گرفته

بعد از این، خبرنگار آمریکایی راهی بهارستان شد تا با رئیس مجلس گفت‌وگو کند. به گزارش «خانه ملت»، علی لاریجانی، رئیس مجلس شورای اسلامی، در این مصاحبه درباره احتمال مذاکره با ترامپ، رئیس‌جمهوری آمریکا گفت: «شما اگر جای ما بودید این کار را می‌کردید؟ زمانی آقای اوباما در دولت قبل پیشنهاد مذاکره کرد که ایران پذیرفت. چرا؟ چون برداشت ما این بود که اوباما اصولی دارد. دشمن ما بود، اما دشمن دانا بود و با دشمن دانا می‌شد مذاکره کرد، اما با دشمن نادان و حتی دوست نادان نمی‌توان مذاکره کرد. امروز چه روزی است؟ ۲۸ مرداد. در ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ چه اتفاقی افتاد؟ آیا می‌دانید؟» اینجا خبرنگار آمریکایی پرسید که «آیا به نظرتان پذیرش مذاکره هسته‌ای از سوی ایران اشتباه بود؟» لاریجانی اما گفت که اول شما مرا بدید. ۲۸ مرداد چه روزی بود؟ و دولت پاسخی به سؤال نداد. لاریجانی گفت که «در ایران کودتا شد. چه کسی آن را طراحی کرد؟» لستر هولت گفت که «من نمی‌توانم به آن پاسخ دهم». لاریجانی حرف خود درباره کودتا را این‌طور ادامه داد: «وزیر اسبق خارجه شما به این سؤال پاسخ داد و از ایران عذرخواهی کرد. چراکه آمریکایی‌ها پشت این کودتا بودند پس به آقای هوک که اخیرا گفته بود آمریکایی‌ها در این ماجرا هیچ نقشی نداشتند این موضوع را یادآوری کنید. مشکل این است که آنها تاریخ نمی‌دانند و من فکر می‌کنم ملت آمریکا گرفتار رهبران دن‌نیشوتی شده که توهماتِ نسبت به صحنه بین‌المللی دارند». رئیس مجلس در ادامه درباره اینکه «توافق برجام از اساس اشتباه بود؟» گفت: «از نظر من نه. ما یک توافق هسته‌ای داشتیم که کشورهای مهم دنیا با ما مذاکره کردند و به این توافق رسیدیم و می‌توانست پایه‌ای برای موضوعات مهم‌تر باشد و امنیت پایدار در منطقه ایجاد کند، اما آن را به‌هم زدند. البته این توافق در داخل کشورمان مخالفان جدی هم داشت، اما درمجموع ایران آن را پذیرفت، ولی در نهایت با رفتاری که انجام شد خیلی از شرایط تغییر کرد». او مذاکره ایران با آمریکا در پشت پرده را

هم رد کرد. او در تحلیل رابطه رئیس‌جمهور آمریکا با رهبر کره شمالی هم گفت که «آقای ترامپ صحنه سیاسی را با صحنه نمایش اشتباه گرفته است. صحنه سیاسی باید نتیجه ملموس داشته باشد. آنها چندبار ملاقات کردند، اما نتیجه چه شد؟ حداقل ما به دنبال نمایش نیستیم». لاریجانی در پاسخ به سؤالی درباره پیامی به‌عنوان سیاست‌مدار به مردم آمریکا گفت: «ابتدا بگویم ملت ایران پیام‌های تصویری را که آقای پمپئو و دیگران می‌فرستند، به شوخی می‌گیرند و اگر شما هم با مردم صحبت کنید، متوجه می‌شوید که رفتارهایی که آمریکایی‌ها انجام داده‌اند، باعث شده همسنگی ملی در کشور بسیار گسترش یابد. ایرانی‌ها ملت باتمدن و ریشه‌داری هستند و با چهار پیام که در آن دلفک‌بازی وجود دارد، تحت‌تأثیر قرار نمی‌گیرند». لاریجانی درباره احتمال درگیری نظامی هم گفت: «نگاه کوتاهی به رفتار گذشته آمریکا نشان می‌دهد که به سادگی دچار چنین خطایی نمی‌شوند. ترامپ می‌گفت ما در عراق و منطقه شش هزار میلیارد دلار هزینه و چندهزار کشته داده‌ایم. آیا ملت آمریکا مجددا می‌پذیرند که با تشییع جنازه از سربازان خود استقبال کنند و این ظرفیت را دارند؟ به نظر من این مسئله هم یک هیاهوست. درباره افغانستان و عراق چه سودی کردند؟ رئیس مجلس به جنگ ۳۳ روزه هم اشاره کرد و افزود: «تصور کنید اسرائیل حتی با همکاری آمریکا هم از پس فلسطینیان در غزه برنایم و از حزب‌الله هم شکست خورد. پس آنها نمی‌توانند میدانی وسیع‌تر برای خود باز کنند». او ادامه داد: «ما هیچ‌وقت دنبال جنگ نبودیم. آن زمان می‌توانستیم با صدام را برای جنگ علیه ایران تحریک کردند هم دنبال جنگ نبودیم. در این ۴۰ سال حتی یک تجاوز به کشوری نداشته‌ایم. استراتژی جمهوری اسلامی جنگ نیست، اما اگر کسی تعرضی کند به صورت جدی دفاع کرده و رهایش نمی‌کنیم که نمونه آن نیز صدام است. موضع دولت ترامپ و طرح موضوع جنگ با ایران به این علت است که ایران از گروه‌هایی در منطقه مثل حزب‌الله و حماس برای حضور در جنگ‌های نیابتی استفاده می‌کند». لاریجانی تاکید کرده که آمریکایی‌ها دیگر نباید از این حرف‌ها بزنند. رئیس مجلس سؤال «آیا شما شخصا آرزوی ازبین‌رفتن اسرائیل را دارید؟ ما در حکومت ایران کسانی را داشته‌ایم که چنین نظری داشته‌اند» را هم چنین پاسخ داد: «آرزوی ما بازگشت ملت فلسطین به سرزمین خود است و برای آن طرح روشنی ارائه کردیم که پایه‌های کاملاً دموکراتیک دارد.

اسرائیل را دارید؟ ما در حکومت ایران کسانی را داشته‌ایم که چنین نظری داشته‌اند» را هم چنین پاسخ داد: «آرزوی ما بازگشت ملت فلسطین به سرزمین خود است و برای آن طرح روشنی ارائه کردیم که پایه‌های کاملاً دموکراتیک دارد. مسیحیان و یهودی در یک فرمانرو ملت شرکت کنند و خودشان حکومت خود را تشکیل داده و تصمیم بگیرند که چگونه زندگی کنند. آیا این پیشنهاد که ما در اجلاس‌های مختلف هم اعلام کرده‌ایم، پیشنهاد جنگ طلبانه‌ای است؟ به این نکته توجه کنید که ما در تمام مناقشاتی که در منطقه وجود دارد، راه‌حل‌های مسالمت‌آمیز برای مسائل داریم. درباره یمن از اول گفتیم به ایجاد دولتی با وحدت ملی معتقد هستیم. منتها برخی کشورها جنگ را دنبال کردند. لذا نظر ما این است که باید بر اساس خواسته فلسطینیان تصمیم‌گیری شود».

ادامه از صفحه ۳

روایت یک ائتلاف ۵۷ ساله

چند سؤال کردم و گفتم چه می‌خواهی؟ گفت: از آقا بپرسید که ما مجازیم بزیم؟ گفتم: کسی هست که بزند؟ گفت: آری، هستند جوان‌هایی که این کار را بکنند. من گفتم: این تبعاتی دارد، دستگیری دارد، اعدامی دارد. باز گفت: کسانی هستند؟ گفت: آری. گفتم: باعث امیدواری است که بعد همین جمله زمینه محاکمه ما شد. آقای پدالله جلالی‌فر تجارت‌خانه داشت. به من می‌گفت: کی قم می‌روی؟ من می‌خواهم حاج‌آقا را ببینم. بعد از نماز مغرب و عشا راه افتادیم به‌سوی قم. او پول آورده بود. یازده شب رسیدیم. ساعت دوازده رقتیم خانه آقا. دیدم در بیرونی، خلخال، آقا مصطفی و توسلی صحبت می‌کردند. از دین به تعجب‌گرفت. گفتم: می‌خواهم آقا را ببینم. آقا مصطفی رفت آقا را بیدار کرد. رفتم خدمت حاج‌آقا که لب تخت نشسته بود. جلالی‌فر هم آمد دست حاج‌آقا را بوسید. آقا از ایشان پرسید چه لزومی داشت این وقت شب بیایی؟ آقای انواری هم وکیل من بود. جلالی‌فر گفت: بله ولی می‌خواستم خدمت شما برسم. امام هم پول را قبول نکرد و گفت: با ایشان حساب کنید که همان‌جا ما این کار را کردیم. بعد حاجی رفت. عذر خواستم که برای این کار نیامدم. بعد مسئله را طرح کردم. مؤتلفه می‌خواهند دست به اقدامات تند بزنند. می‌گویند دوره اعلامیه گذشته است، باید یک کاری کرد. امام اول یک داستان تعریف کرد. فرمودند: یکی از دوستان ما اینجا آمد و اسلحه‌اش را درآورد و گذاشت جلوم و گفت: من فردا دیداری با علم دارم. اگر اجازه بدهید علم را در دفترش می‌گشیم. به او گفت: نه، ما تازه اول کارمان است. خواهند گفت اینجا منطق ندارند. بگذارید اینجا را به مردم بشناسیم. باید بگویم اینجا فساد اعلامیه بوده‌اند و ادعای اصلاحات دارند. بگذارید بشناسیم آرام آرام. بعد مردم تکلیف خود را می‌دانند. معین نکنید. صبح مکلف هستی بروی تهران و بگویی این کار را نکنید. این شب پنجشنبه بود. شب را به تهران برگشتم. سر راه رفتم محل تجارت صادق امانی، خودش نبود. پرسیدم حاجی کجاست؟ گفتند رفته سرکشی به چندجا بکند. در راه او را دیدم و پیغام امام را دادم و گفتم: ایشان مرا تکلیف می‌کرد که نکنید، به ما ضرر می‌زند. این بود تا اینکه اسدالله علم سقوط کرد. بعد ستمعلی منصور آمد سر کار؛ وضعیت تغییری نکرده بود. امام کارهایش را می‌کرد و مؤتلفه اعلامیه می‌داد؛ تا مه رمضان رسید، صبحی بود کتابدار کتابخانه مجلس (آقا بها دلی من) به من زنگ زد: خبر داری؟ گفتم: چه؟ گفت: منصور را زدند. مگر شما خبر ندارید؟ گفتم: اصلا خبر ندارم. روزنامه‌ها درآمد. چند اسم بود که از دوستان ما هستند. کم‌کم درآمد که مؤتلفه این کار را کردند در شاخه نظامی، بخارنی، مرتضی نیک‌نژاد، صفار هرنزی و صادق امانی». با اینکه نگاه روایت آیت‌الله انواری، امام صریحا با ترور نخست‌وزیر مخالفت کرده بود اما هیئت‌های مؤتلفه با این وجود می‌گویند که این مؤتلفه اعلامیه می‌داند و می‌گوید: «شهید حاج صادق امانی در بیانات خود به کرات قبل از دستگیری و در زندان قبل از شهادت اظهار می‌داشتند که فتوای قتل منصور را آیت‌الله میلانی و تعدادی دیگر از مجتهدان صادر فرمودند که شاخه اجرایی هیئت‌های مؤتلفه آن را عملی ساختند...».

مؤتلفه‌سی از انقلاب

بعد از پیروزی انقلاب اغلب اعضای جمعیت مؤتلفه، جذب حزب جمهوری اسلامی شدند اما در پی تعطیلی حزب جمهوری اسلامی در سال ۱۳۶۵ این جمعیت، تجدید سازمان سیاسی کرد و با هویت سیاسی نوینی وارد معادلات و رقابت‌های گروهی در درون ساختار جمهوری اسلامی شد. به‌ویژه در دهه نخست جمهوری اسلامی، مؤتلفه اسلامی، به اصلی‌ترین گروه جناح راست در ایران تبدیل شد. این گروه، در زمینه سیاسی دولت‌گرایی از نظر اقتصادی مخالف کنترل کامل وزارت بازرگانی و وزارت اقتصاد و دارایی و بر همه فعالیت‌های تجاری و مبادلات اقتصادی است. مؤتلفه پس از انقلاب اولویت خاصی را برای خود نسبت به سایر گروه‌های فعال سیاسی قائل بود و علت را در سابقه مبارزه علیه شاه و نزدیک‌داستنن خود به امام خمینی، حوزه و روحانیت می‌دانست. جمعیت هیئت‌های مؤتلفه اسلامی که در دی ماه سال ۱۳۸۲ با حزب مؤتلفه اسلامی یکی‌شد، در مرام‌نامه خود آورده است: «مؤتلفه اسلامی، توانست برای اولین‌بار در تاریخ معاصر ایران، تشکلی سیاسی-عقیدتی، تحت رهبری ولی فقیه عادل زمان و مرجع تقلید و تحت نظارت و هدایت شورای روحانیت و به دور از الگوپذیری از سازمان‌ها و احزاب شرقی و غربی پدید آورد و شعار «مقلد»بودن به‌عنوان راه‌حلی واقعی و اصیل را مطرح سازد». حبیب‌الله عسکراولادی، نماینده رهبر انقلاب در کمیته امداد امام خمینی، برای چند دهه رهبری این گروه را به دست داشت تا اینکه در سال ۱۳۸۲ همراه با بخشی از دگرگونی‌های جزئی در ساختار تشکیلاتی او از این سمت کناره‌گیری کرد و به‌جای وی محمدنویز حبیبی، شهردار پیشین تهران، به‌رکم حزب مؤتلفه اسلامی شد. حزب مؤتلفه اکنون هم در عالم سیاست فعالیت جدی دارد و یکی از احزاب مهم جبهه اصولگرایی محسوب می‌شود، چنانچه یکی از س‌ران این حزب یعنی مصطفی میرسلیم در انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۹۶ نامزد شد که توانست رای لازم را بیآورد.

روایت جلالی‌پور از دوران وزارت ارشاد مصطفی میرسلیم

میر سلیم می‌گفت بخش خصوصی نباید روزنامه داشته باشد

شفافیت همه ارکان حاکمیت، راه زیادی در پیش داریم.

• یادم است درس‌م تازه تمام شده بود سال ۱۳۷۵ بود. یکی از اعضای انجمن یکی از دانشگاه‌های مهم کشور، من را دعوت کرده بود تا سخنرانی کنم. انجمنی که من را برای سخنرانی دعوت کرده بود، گزارش فعالیت‌هایش را با افتخار به من می‌داد که این انجمن چقدر فعال است. فکر می‌کنید فعالیت آن انجمن چه بود؟ گزارش می‌داد که بچه‌های انجمن چقدر در دانشگاه زحمت می‌کنند. گزارش کتبی آنها را می‌خواندیم که مثلا فلان عضو انجمن، صبح آمده، نگاه کرده که کدام دانشجو وارد دانشگاه شده، آیا جواریش کوتاه بوده است؟ آیا

زیر ابرویش را برداشته است یا خیر؟ اینها را خیلی با افتخار تعریف می‌کردند. می‌گفتند بچه‌های انجمن زحمت کشیده‌اند. چنین فضایی وجود داشته است. ما در این فضا برای تقویت از توسعه سیاسی دفاع می‌کردیم. ما از این فضا فاصله گرفته‌ایم.

• الان انجمن‌های اصولگرا هم چنین کارهایی در دانشگاه نمی‌کنند، ما خیلی با آن فضا، فاصله گرفته‌ایم. یادم هست وقتی آن زمان، انتخابات برگزار می‌شد، اصلا بحث برنامه مطرح نبود. الان یکی از مطالباتی که از اصلاح‌طلبان خواسته می‌شود همین است که با توجه به انتخاباتی که قرار است شش ماه دیگر برگزار شود، اصلاح‌طلبان با چه مکانیسم دموکراتیکی می‌خواهند لیست ببندند، یعنی بحث انتخابات مقدماتی دموکراتیک را به‌درستی دارند. اصلا بحث مطالبات دموکراتیک فرایند لیست بستن مطرح است. الان از جواب مردم که چرا سفید است فاصله گرفته‌ایم. قبلا چنین حرف‌هایی وجود نداشت. قبل یادم است که می‌خواستیم روزنامه جامعه‌مدنی درست کنیم. آقای میرسلیم، سال ۷۵ وزیر ارشاد بود. رفتم تا مجوز بگیریم، به ما گفتند روزنامه کار دولت است. خیلی کوتاه بیایم، باید یک سازمان بزرگ، پشت آن باشد، مثلا شهرداری که همشهری را درآورده و در نهایت مجوز ندادند. بخش خصوصی که اصلا نمی‌تواند روزنامه داشته باشد. ببینید الان به کجا رسیده‌ایم.

• جمهوری اسلامی، نظام برآمده از انقلاب مردمی است. بخشی از هسته قدرت که مقاومت می‌کند، از جایی به بعد همه متوجه می‌شوند که خاصیت ندارد. چه‌بسا، این اتفاقی که در ایران افتاده است، یعنی